

سازوکار تأثیر گذاری قرآن کریم بر بنیان‌های فکری تمدن اسلامی

a.anjom4839@gmail.com

mashrooteh@qabas.net

کلیه آذر انجم شمعاع / دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی قم

ابوذر مظاهری / استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)

پذیرش: ۹۷/۲/۱

دریافت: ۹۶/۹/۸

چکیده

پژوهش حاضر درصدد است با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای سازوکار تأثیر گذاری قرآن کریم بر بنیان‌های فکری تمدن اسلامی را تبیین و بررسی کند. این پژوهش نشان می‌دهد که آیات قرآن کریم با تأثیر بر خردورزی و فطرت‌گرایی انسان‌ها، موجبات معرفت‌بخشی و تغییر نظام فکری عرب و پیدایش فرهنگ اسلامی را فراهم آورده و پیروی از کلام وحی زمینه‌ساز رشد و توسعه اقتصادی، دینی، علمی و هنری جامعه اسلامی و شکل‌گیری و حیات تمدن اسلامی در هزاره نخست هجری قمری شده است. **کلیدواژه‌ها:** قرآن، تفکر، فرهنگ قرآنی، تمدن اسلامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

می‌داند و تبیین می‌نماید که کلام وحی با هدایت انسان، انقلابی فکری و فرهنگی می‌کند. آیات قرآن کریم با معرفت‌بخشی، در نگرش به مبدأ عالم هستی و حکمت آفرینش انسان و فلسفه زندگی، نظام فکری انسان را به نظامی توحیدی و خدامحور معطوف می‌سازد و همزمان به سامان‌بخشی سبک زندگی و فرهنگی مبتنی بر دین الهی می‌پردازد. حق دوستی، عدالت‌جویی، مهرورزی، اخلاق‌محوری و برقراری امنیت، همه از نشانه‌های تفکر و ویژگی این جامعه مدنی است و بدین‌گونه، مفاد آیات قرآنی تمدنی جهانی را با رشد و توسعه در ابعاد گوناگون دینی، اقتصادی، علمی و هنری ترسیم و خلق می‌کند.

بررسی مفاهیم بحث

واژه «قرآن»، بر اساس نقل *المعجم المفهرس*، هفتاد بار در کتاب قرآن آمده است (عبدالباقی، ۱۳۶۴، ماده قرأ، ص ۵۳۹ و ۵۴۰) و بجز دو نمونه، اسم برای اشاره به مجموعه‌ای معین از کلام الله است که به صورت عام استغراقی یا عام مجموعی آمده (صرامی، ۱۳۷۸، ص ۲۲) و در برخی آیات، «کتاب» نام گرفته که به پیوند سراسری مضامین آن و یکپارچگی در یگانگی در اهداف و راه و روش‌های آن اشاره دارد، به گونه‌ای که تمام اجزای آن را یک کتاب واحد می‌گرداند (حکیم، ۱۳۷۸، ص ۱۴).

قاموس قرآن در معنای «فکر» آورده است: «فکر» (به فتح و کسر اول) به معنای اندیشه و تأمل است. به عبارت دیگر، فکر، اعمال نظر و تدبر است برای به دست آوردن واقعیات و عبرت‌ها (قرشی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۹۹) و «تفکر» به معنای سیر میان حق و باطل است (داوری، ۱۳۹۱، ص ۲۱).

رابطه تفکر، فرهنگ و تمدن

واژگان «تمدن» در فارسی، «حضاره» در عربی و «Civilization» در انگلیسی دارای مفهومی واحد هستند. فرهنگ معین «تمدن» را به معنای «شهرنشین شدن، به اخلاق و آداب شهریان خوگر شدن، و همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره» آورده است (معین، ۱۳۸۸،

نزول آیات نورانی وحی بر دل‌های سرد و فسرده ساکنان حجاز، گرما و حرارتی بخشید که موجب حیات و زندگی آنها گردید. کلام وحی، که پس از بعثت بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شد، راه سعادت و کمال در دنیا و عقبا را نمایاند و در تمام ابعاد زندگی مسلمانان، تحولی اساسی به وجود آورد که به جرئت می‌توان گفت: تمام پیشرفت تمدنی و فرهنگی مسلمانان مرهون این کتاب شریف است.

این پژوهش با رویکرد تحلیلی - توصیفی و نظری، در پی پاسخ به این سؤالات است که چگونه قرآن کریم بر بنیان‌های فکری تمدن اسلامی تأثیر گذاشت؟ قرآن کریم چگونه فرهنگ‌ساز شد؟ فرهنگ اسلامی چگونه جایگزین فرهنگ جاهلی گردید؟ شاخصه‌های فکری تمدن‌ساز قرآن چیست؟ چرا و چگونه قرآن مدعی خلق تمدنی جهانی است؟

در باب ضرورت بحث، گفتنی است که بزرگ‌ترین سرمایه مسلمانان در هنگامه فتوحات، آیات قرآن کریم بود که هر مسلمان حفظ و عمل به آن را بر خود لازم می‌دانست. تأثیر کلام وحی بر اعماق روح و اندیشه افراد چنان بود که عرب جاهلی را از حضيض ذلت به اوج عزت رساند و او توانست در شکل‌گیری تمدنی والا نقش‌آفرینی کند. به یقین، بررسی و بازنگری در سازوکار اثربخشی آیات الهی بر بنیان‌های فکری و نظری، آداب و رسوم، اخلاق و در نهایت، فرهنگ جامعه آن روز، ما را در وصول، تحقق و تجدید حیات تمدن اسلامی یاری خواهد داد.

اندیشمندان و پژوهشگران حوزه قرآن و تمدن، هریک از زاویه‌ای خاص به واکاوی جنبه‌های گوناگون و موضوعات متنوع در این حوزه پرداخته و در مسائلی مذاقه کرده‌اند، لیکن این نوشتار بر پایه اصالت‌بخشی آیات قرآن بر تفکر، به عنوان ریشه و بن‌مایه حق‌جویی و باطل‌ستیزی و نقش آن در تغییر و تحول فکر، فرهنگ و آفرینش تمدنی نوین و توحیدی انجام گرفته است.

این پژوهش با نگاهی گذرا به وضع تفکر، فرهنگ و تمدن عرب پیش از اسلام، به بررسی تحولات پس از ظهور اسلام پرداخته و نقش اساسی در ایجاد تحول و انقلاب را در احیای قوه تفکر و رشد عقلانیت و بیداری فطرت‌ها به وسیله آیات قرآنی

می‌شد و به همین سبب، بعضی مکان‌ها را مقدس می‌شمردند (ابراهیم حسن، ۱۳۹۲، ص ۶۳). جماعت‌های پترا و تدمر به آفتاب‌پرستی علاقه داشتند. «وَدَّ»: یعنی: خدای ماه، سالار انجمن خدایان معینه بود و «عزّی»، «لات» و «منات» را دختران خدا می‌دانستند. «لات» طائف سنگی چهارگوش بود که فُرُق و حرم داشت و قطع درخت، شکار و خونریزی در قلمرو آن روا نبود. «منات» خدای قضا و قدر؛ «بعل» مظهر روح چشمه‌ها و آب‌های زیرزمینی و آب چاه؛ «عروه» مقدس و «ذوالشری» در پترا، توده‌ای از سنگ‌های تتراشیده بودند که برای آنها قربانی - حتی انسان - تقدیم می‌کردند (خوری حتی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۳-۱۲۶).

جزیره‌العرب جامعه‌ای راکد و جامد، و دور از هر نوع تکامل فکری و پیشرفت بشری بود و روز به روز بر انحطاط آن افزوده می‌شد. پیروی از گذشتگان، اساس دین ایشان بود. حس‌نگری و فقدان اندیشه‌ی عقلی، تقلید، همبستگی‌های قبیله‌ای و نبود تبادلات فکری موجب جمود فکری آنها بود (جعفریان، ۱۳۶۶، ص ۲۷-۳۲). نظام قبیله‌ای در بین آنها وجود داشت و ۳۶۰ قبیله ساکن در جزیره‌العرب در کار خودمختار و آزاد بودند (ابراهیم حسن، ۱۳۹۲، ص ۵۰) و هیچ‌گونه حاکمیت سیاسی واحدی بر آنها مستولی نبود (جعفریان، ۱۳۶۶، ص ۳۳). افراد در پناه قبیله خود بودند و اگر فردی مورد تجاوز قرار می‌گرفت، انتقام از قبیله امری قطعی بود. جنگ‌های خونین بین دو قبیله «لوس» و «خزرج» یثرب، که ۱۲۰ سال به طول انجامید و سبب شد تا از کشاورزی و تجارت بازمانند و از نظر اقتصادی ضعیف‌تر از یهودیان یثرب باشند، نمونه‌ای از آنهاست. برای برقراری موقت آرامش و امنیت، فقط در ماه‌های حرام، جنگ‌جویی و ستیزه‌جویی ممنوع بود و کینه‌ها به طور موقت، فراموش می‌شد و تمام مردم عرب از دوست و دشمن در معاشرت با یکدیگر آزاد و از تجاوز همدیگر در امان بودند (ابراهیم حسن، ۱۳۹۲، ص ۶۲). عرب‌ها غالباً مردمی ساده‌لوح بودند و از لوازم تمدن بهره‌ای نداشتند. تعدد زوجات در میان آنها رواج داشت و برای آن قید و شرطی قایل نبودند. بر سر تصاحب زن افراد غریبه، جدال روی می‌داد. زن را موجودی بی‌فایده می‌دانستند و دختران را زنده به گور می‌کردند (ابراهیم حسن، ۱۳۹۲، ص ۴۱). اصول بردگی در میان آنها رواج داشت و ممکن بود بزرگی در جنگ اسیر و در ردیف بردگان درآید.

ج ۱، ص ۱۱۳۹) و دهخدا/ «تخلّق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و هجمیت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت را تمدن دانسته است» (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۶۱۰۹؛ شرتونی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۲۹۴).

در این معانی، تمدن تنها مشروط به سکونت در شهر نیست، بلکه تخلّق به آداب شهریان با کنار گذاشتن توحش و جاهلیت، قدم اول برای متمدن شدن است؛ چنان‌که دهخدا/ «تبدیل خوی بدوی به شهری، جهل به علم، و خشونت را به رحمت و رأفت انسانی»، «تمدن» می‌داند. این تحول آنی و بدون طرح و برنامه و تکیه بر بنیادهای اندیشه‌ای حاصل نمی‌شود. آنچه تمدن‌ساز است و آن را به شکوفایی و کمال می‌رساند، فرهنگ پویایی است که در کالبد جامعه جریان و سریان می‌یابد.

شهید مطهری «فرهنگ» را روح جامعه، آنچه انسان را به جهان آگاه می‌کند و جهان را به انسان می‌شناساند (زکریایی، ۱۳۸۹، ص ۴۰۶) و «تمدن» را یک سلسله علوم و فنون، که برای بهبود این زندگی مؤثر و مفید است، و یک سلسله آداب و مراسم، که لازمه بهتر زیستن اجتماعی است (همان، ص ۲۰۲)، می‌داند. دهخدا/ «فرهنگ» را تعلیم و تربیت و علم و دانش و ادب معنا کرده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۰، ص ۱۵۱۰۹). بنابراین، تمدن بر فرهنگ و آن نیز بر تفکر استوار است. در تمدن، مدنیت، پیشرفت، توسعه و رشد، خلاقیت و نهادینه شدن وجود دارد، و اینها عاری از فرهنگ و استواری بر پایه‌های فکری قوی و قدرتمند متصور نیست. جامعه عرب جاهلی با ظهور اسلام و نزول قرآن و بعثت پیامبر اکرم ﷺ شاهد تحول و توسعه در همه جنبه‌های زندگی خود بود و بعدها مدعی خلق تمدنی جدید شد.

فرهنگ و تمدن عرب پیش از ظهور اسلام

از قرن‌ها پیش از اسلام، سرزمین مکه، تقدس و موقعیتی ممتاز در شبه‌جزیره عربستان داشت. خانه کعبه، که از زمان حضرت ابراهیم ﷺ خانه توحید و عبادتگاه حجاج بود، به واسطه انحرافات دینی و گرایش به بت‌پرستی، به محل نگه‌داری بت‌ها تبدیل شد. قبایل عرب از هر سو برای انجام مراسم حج بدانجا رو می‌آوردند و این اهمیت فزاینده‌ای برای مکه داشت. در نواحی گوناگون عربستان، بتان بسیار به صورت خانه و درخت و سنگ پرستش

آنجا وجود نداشت (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۷، ص ۵۱). این تصویری از عرب جاهلی بود که پیش از بعثت پیامبر اکرم ﷺ و نزول قرآن بر سرزمین توحید - مکه - و حجاز ساکن بود.

ظهور اسلام و نزول قرآن

از همان ابتدا، قرآن یکی از عناصر ارزشمند و تأثیرگذار بر مسلمانان بود. نه فقط مردم عادی، بلکه مشرکان نیز مخفیانه به تلاوت شبانه قرآن پیامبر گوش سپرده، شیفته آن می‌گردیدند. علت آنکه پیامبر را «ساحر» و قرآن را «سحر» می‌نامیدند، آن بود که مسحور کلام پرجذبه قرآن می‌شدند که این خود نشان از تأثیر عظیم قرآن بر همگان و ایجاد تغییر و تحول در قلوب داشت (جعفریان، ۱۳۶۶، ص ۲۲-۲۴). به اذعان قرآن، از آثار این اعجاز به لرزه افتادن دل و لبریز شدن اشک از چشم به هنگام شنیدن آیات است که هم در مسلمانان (زمر: ۲۳) و هم غیرمسلمانان و یا مخالفان قرآن (مائده: ۸۳) مکرر مشاهده شده است. امروزه ثابت گردیده که گریه شدیدترین واکنش تأثر انسان در روان آدمی است که از تأثیرگذاری عمیق آن رخداد یا پدیده حکایت دارد. باید این تأثیر را به سبب وجود جاذبه قرآن دانست که مستقیماً با روح و روان انسان ارتباط پیدا می‌کند و چنین طوفانی در آن پدید می‌آورد (نصیری، ۱۳۹۰، ص ۷۷). این جاذبه همواره در مستمعان وجود دارد؛ چنان که کنت گریک، خاورشناس انگلیسی، می‌گوید: همان گونه که آهن ربا سوزن را جذب می‌کند، قرآن نیز خواننده اروپایی را جذب می‌نماید و رهایش نمی‌کند، مگر اینکه خواننده قرآن به زور، خود را از آن کتاب جدا سازد (همان، ص ۸۱ و ۸۲).

قرآن، که سخن حق تعالی و حامل پیام آسمانی است، با نزول اولین آیه، اذهان و قلوب مخاطبان را به تسخیر خود درآورد و نفوذ بی‌مانندش از آنها انسان‌هایی کامل و متمدن ساخت. پیروانش چنان انسی با قرآن یافتند که از بذل جان و مال خود در راه حفظ و عمل به فرامینش دریغ نداشتند، بلکه بر یکدیگر سبقت می‌جستند. در انس و تعلق مردم به ساحت مقدس قرآن، عناصری نافذ در تمام جنبه‌ها، به‌ویژه کیفیت نزول، زبان، محتوا، اصول و اهداف دخالت دارند و همگی گویای حقیقتی واحدند؛ چنان که هر کس در هر سطح و درجه‌ای از فهم و درک و آگاهی

امیرمؤمنان علیؑ در وصف اعراب جاهلی می‌فرماید: ... (شما) ملت عرب، بدترین دین را داشتید؛ و در بدترین خانه زندگی می‌کردید؛ میان غارها، سنگ‌های خشن و مارهای سمی خطرناک فاقد شنوایی، به سر می‌بردید؛ آب‌های آلوده می‌نوشیدید و غذاهای ناگوار می‌خوردید؛ خون یکدیگر را به ناحق می‌ریختید و پیوند خویشاوندی را می‌پریدید؛ بت‌ها میان شما پرستش می‌شد و مفسد و گناهان شما را فرا گرفته بود (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶، خطبه ۲۶، ص ۷۳). با ظهور اسلام و در اولین هجرت مسلمانان، جعفر بن ابی‌طالب در حضور نجاشی، پادشاه حبشه، وضعیت اجتماعی و اخلاقی جامعه جاهلی عرب را چنین وصف کرد: ما مردمی جاهل بودیم؛ بت می‌پرستیدیم، میته می‌خوردیم، مرتکب فواحش می‌شدیم، صلّه رحم نمی‌کردیم، حق همسایگی را فراموش کرده بودیم، و اقویای ما ضعفای ما را می‌خوردند (جعفریان، ۱۳۶۶، ص ۴۳-۴۴).

با این حال، اعراب عصر جاهلی، از لحاظ اخلاقی، غیور بودند و از شرف خویش تا حد مرگ دفاع می‌کردند (همان، ص ۳۷ و ۴۱) و این در اشعار آنها پیداست. «مروت» به معنای جوانمردی، آبرو و شرف، که در آن شجاعت، وفا و کرم نهفته بود، از ویژگی‌های عرب جاهلی به‌شمار می‌آمد (خوری حتی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۲). همچنین «فصاحت»، که قدرت تعبیر با صراحت و ظرافت به وسیله نثر و نظم است، تیراندازی و چابک‌سواری سه صفت لازم مرد کامل دوران جاهلیت بود. تعلیم و تعلم در بین آنها وجود نداشت. معدود افرادی هم که کم و بیش چیزهایی می‌دانستند، نمی‌توانستند به دیگران آموزش دهند. هنگامی که اسلام آمد، تنها هفده تن از قریش خواندن و نوشتن می‌دانستند (بلاذری، ۱۳۵۰ق، ص ۴۵۷). بارزترین جنبهٔ نوغ آنها در شعر و شاعری بود. دلبستگی بدوی به شعر، تنها نمودار فرهنگ وی به‌شمار می‌رود. تقویم آنها مانند تقویم اسلامی، بر بنیاد ماه‌های قمری بود. به اقتضای محیط زندگانی خویش، در بعضی علوم، از جمله، معرفت احوال و تغییرات جوی، علم باستان‌شناسی و علم انساب (ابراهیم حسن، ۱۳۹۲، ص ۶۱)، طب و جادو (خوری حتی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۴) و در نتیجه مشاهده و استماع، به مقداری اطلاعات و معلومات پراکنده دست یافته بودند. آنچه بر اذهان حجازی‌ها غلبه داشت، خشکی، تکبر و خشونت طبع بود. ساکنان مکه و مدینه و طائف، طبعشان نزدیک به طبع بادیه‌نشینان اطراف بود و پیش از اسلام هیچ حکیم و فیلسوف و صاحب‌نظری در

۲. فطرت‌گرایی

علامه طباطبائی «فطرت» را به معنای هدایت تکوینی و قدرتی می‌داند که خداوند در وجود انسان تعبیه کرده است که زمینه نیل او به سعادت را فراهم می‌سازد (طباطبائی، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۱۷۷). از دیدگاه قرآن، ارزش‌های انسانی ریشه در سرشت و نهاد انسان دارند. نه تنها حسّ خداشناسی از احساسات اصیل و ریشه‌دار انسان است، بلکه احساسات دینی و مذهبی نیز فطری است. قرآن با استفاده از اصول اولیه تفکرات انسانی، که یگانه راه برای ارزش داشتن علم و فکر و فلسفه بشر است، انسان‌ها را به ایمان و عمل صالح فرامی‌خواند. آیات قرآن با بیدار کردن فطرت ادراکی و احساسی انسان، او را در جهت حقیقت‌جویی، فضایل اخلاقی، زیبایی‌ها و در نهایت، خدامحوری و نظام توحیدی سوق می‌دهد (روم: ۳۰؛ اعراف: ۱۷۲؛ احزاب: ۷۲) (مطهری، ۱۳۶۱، ص ۱۷۱-۱۸۶). همان‌گونه که دلایل عقلی و منطقی به انسان جهت می‌دهد، در درون جانش نیز جاذبه‌هایی وجود دارد که برای او تعیین جهت می‌کند تا اهداف حیاتی او معطل نماند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۵۴۳). زبان فطرت زبانی ساده، بی‌آلایش و قابل فهم عام و زبانی انگیزشی است که در زمینه انسان‌سازی و اخلاقیات بس نیکو نقش‌آفرین است؛ همان مؤلفه‌هایی که جامعه متمدن به آن نیازمند است.

شاخصه‌های تمدن‌سازی قرآن

۱. هدایت‌گری

قرآن هدایت انسان‌ها را رحمتی از جانب خدا، و ارسال رسل را نعمتی بزرگ، که منتی است بر مؤمنان دانسته، پیامبران را هادی امم و پایه‌گذار تمدن بشری می‌شمرد. بشر از آنجا به راه حاکم شدن بر عالم رهبری شد که انبیا او را از اسارت طبیعت بیرون آوردند و به او آزادی عمل دادند و زنجیرهای فکر و دست و پای او را باز کردند (مفتح، ۱۳۶۰، ص ۳۱). قرآن قانون اساسی مسلمانان و کتاب سعادت جهانیان در طول تاریخ است. قرآن از یک‌سو، خداوند را یگانه، خالق، عالم، حکیم، عادل، مدیر، مدبر، و از سوی دیگر، قرآن را مبشر، نذیر و هادی به سعادت و رستگاری و حیات طیبه معرفی می‌نماید. درک عمیق این حقایق موجب شد که مسلمانان کلام وحی را در فراز و نشیب زندگی، فراروی

و هر عقیده و مرام، اذعان دارد که زبان قرآن گنگ و نامفهوم نبوده، و دارای مفاهیم و ایضاح و انس است؛ زیرا آموزه‌های آن بر دو عنصر ذاتی انسان عقل و فطرت منطبق است.

عناصر تأثیرگذار قرآن

۱. خردورزی

عقل مهم‌ترین ابزار در یقین به میانی دینی است. قرآن از «تفکر»، «تدبر»، «تعقل»، «تذکر»، «برهان»، «نظر» و واژه‌های مترادف آن مکرر سخن به میان آورده، مؤکداً انسان‌ها را به خردورزی دعوت می‌نماید. یکی از عناصر جامعه متمدن اسلامی رشد عقلانیت انسان‌هاست. رشد عقلانیت، زمینه‌ساز رشد ایمان و معنویت است. عقل مصباح دین و شریعت و منبع معرفت بشر از دین است.

آیت‌الله جوادی آملی می‌نویسد:

عقل در اثبات اصول اولی دین، مانند وجود مبدأ، وحدت مبدأ، اسماء حسناى مبدأ، عینیت اسماء و صفات با هم و با ذات مبدأ و ضرورت ارسال پیامبر و انزال کتاب و مانند آن، مبادی و مبانی بین و مبین دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۵۲ و ۵۳).

«عقل» به معنای نیروی ادراکی ناب است که از گزند وهم و خیال و قیاس و گمان مصون است، و پیش از هر چیز تناقض را به خوبی می‌فهمد و در ظل آن، گزاره‌های بدیهی را کاملاً ادراک می‌نماید (همان، ص ۳۱). در بسیاری از سوره‌های مکی، قرآن به استدلال و اقامه برهان دست زده (انعام: ۷۴-۸۳؛ مؤمنون: ۹۱) و انسان‌ها را به تعلیم و تعلم قرآن و تدبر در معانی و تفکر در اهداف و مقاصد آن تشویق نموده است (محمد: ۲۴)؛ زیرا تفکر که نباشد، هرچه هست گمراهی است، و تمام شئون دستخوش آشفتگی و پریشانی است (داوری، ۱۳۹۱، ص ۱۵). قرآن کریم بدین‌گونه، پرده‌های غفلت را از ذهن و فکر مردمان زدود و با سلاح عقل و منطق، آنها را به مصاد خرافات و اوهام برده و زنجیرهای تقلید از بزرگان و گذشتگان (بقره: ۱۷۰؛ اسراء: ۳۶)، تعصب‌های قبیله‌ای و حس‌نگری را از دست و پای آنان باز کرده است. انسان‌های خردورز و عقل‌گرا با آزادسازی فکر و اندیشه و توجه به سرشت پاک آدمی، از قید پرستش‌بت‌ها و شهوات رهیده و جز خدا ندیده‌اند.

خود دهند. قرآن در حوزه‌های گوناگون زندگی، برنامه‌ جامعی دارد که در بردارنده همه دقایق حاکم بر جهان آفرینش است. انسان در این عالم، نقش محوری دارد و همه زوایای زندگی‌اش، اعم از روابط او با مبدأ آفرینش، خود، طبیعت و دیگران مطمح نظر خداست، و قرآن عامل هدایت او در تمامی عمر.

۲. فرهنگ‌سازی

«فرهنگ» بعد معنوی، ذهنی، فکری و نرم‌افزاری تمدن است. بنیادهای فکری و اندیشه‌ای، فرهنگی را در سطح جامعه شکل می‌دهند و آن فرهنگ تمدنی را به وجود می‌آورد. «فرهنگ» نگاهی است که انسان نسبت به عالم و آدم دارد و در ابعاد اعتقادی، آداب و رسوم، اخلاق و ادبیات، شعر، هنر و موسیقی ساری و جاری است. سازوکار اثرگذاری قرآن در ابعاد مذکور را چنین می‌توان این‌گونه طرح نمود:

الف. اصلاح مبانی فکری و اعتقادی

در فرهنگ، باورها، عقاید، اندیشه‌ها و جهان‌بینی مطرح است. اصول دین و زیرساخت‌های فکری را با تحقیق، تفکر و اجتهاد باید پی نهاد. تأمل و تدبر در آیات گویای آن است که قرآن برای اثبات توحید، نبوت رسل و پذیرش دیگر کتب آسمانی، جهان دیگر و وقایع آن از انواع روش‌ها بهره می‌جوید. دعوت به تعقل، تفکر، تدبر، بیدار کردن فطرت انسانی و اثبات فطری بودن دین، در عالم خلقت، و معرفت صفات خدا شیوه‌های کاربردی قرآن است که از برهین گوناگونی همچون برهان حرکت (انعام: ۷۶)، برهان نظم و برهان صدیقین (فصلت: ۵۳) بهره جسته است (نصیری، ۱۳۹۰، ص ۱۱۹) تا دل‌ها و خردها را زنده کند و از انقیاد خدایان دروغین و ذلت بت‌پرستی آزاد گرداند و پرستش خداوند یگانه را جایگزین آن سازد. تصویری که قرآن از باری تعالی ارائه می‌دهد، دل‌ها و عقول را حیران و واله او می‌گرداند و او را جامع صفات حسن و منزّه و میرا از شوائب می‌نمایاند. وصف زیبایی‌های عالم هستی و عالم ملک و ملکوت و اسرار ناگشوده آن، ذکر مراحل خلقت و مانند آن آدمی را به وجود خدای حکیم، عالم و قادر، حی لایموت، رزاق و... رهنمون می‌سازد. قرآن برای اثبات معاد، از برهین امکان، همچون قدرت

نامتناهی الهی و برهین ضرورت وجود معاد، همچون برهان حکمت و برهان عدالت استفاده کرده است (همان، ص ۱۲۲): همان‌گونه که در تبیین امکان و اثبات زنده کردن مردگان از دلایل حسی و نقلی، مانند زنده شدن چهار مرغ به دست حضرت ابراهیم (بقره: ۲۶۰)، تجدید حیات اصحاب کهف پس از ۳۰۰ سال (کهف: ۲۱)، و نمونه‌هایی از تجدید حیات در طبیعت (مانند بهار) می‌گوید تا مخاطبان خود را در هر سطح دریافت، به معاد مؤمن گرداند.

ب. تفسیر آداب و رسوم

«آداب و رسوم» مجموعه‌ای از رفتارهای فرهنگی است. عرب جاهلی انجام برخی کارها و رفتارهایی را بر پایه خرافات، اوهام و تقلید از نابخردان، بر خود ضروری یا حرام می‌کرد. کلام وحی، به بیان احکام شریعت، در ارتباط با حقوق و تکالیف انسان پرداخت. هیچ آدابی از پنج شکل واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح خارج نبود. مسلمانان قرآن را مصدر احکام زندگی و اولین مهم‌ترین سند استنباط احکام شرعی دانسته، برای به کار بستن آن، تمام تلاش خود را به کار گرفتند. قرآن کریم، محرمت را به حدود و مرزهای الهی تشبیه می‌کند که باید از نزدیک شدن به آنها خودداری کرد و در برابر آنها تقوا داشت. تنها در سوره مبارکه «بقره»، قریب پانصد حکم وارد شده است (بی‌آزاز و حجتی، ۱۳۶۸، ص ۱۱۴) که هر کس از آنها تجاوز کند ظالم است، و هر کس بر طبق آن عمل کند بهشت پاداش اوست. در عصر پیامبر اکرم ﷺ، آن حضرت در مقام تفسیر، تبیین و عمل به آیات و پاسخ‌گویی به پرسش‌های مسلمانان، احکام فقهی را تشریح می‌کردند. سه قرن بعد از رحلت پیامبر اکرم ﷺ و سرآمدن بهره‌مندی از محضر ائمه اطهار ﷺ، اصحاب ائمه اطهار ﷺ به توصیه آن بزرگواران به جمع‌آوری احادیث با سلسله‌سندهای استوار و قابل اعتماد همت گماردند. این آثار تحت عناوین کتاب، اصل و تصنیف، در اختیار طالبان احکام قرار داشت و منبع استخراج احکام قرار گرفت.

ج. اخلاق محوری قرآن

در تمدن اسلامی، تربیت و رشد انسان جایگاه محوری دارد و

د. دنیاداری و آخرت‌گرایی

از خصایص دین مبین اسلام، ایجاد نظم و رابطه‌ای استوار بین دنیا و آخرت است و می‌خواهد که آدمی بدون ایجاد شکاف و جدایی میان زندگی دنیوی و اخروی، هر دو را در نظر داشته باشد؛ می‌فرماید: «وَأَبْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» (قصص: ۷۷). اسلام از آن نظر که کار و کوشش و کسب روزی حلال در دنیا را ارزشمند و نوعی عبادت می‌شمرد، از سایر ادیان و مکاتب ممتاز است. در قرآن، همه چیز حول محور خدا معنا می‌یابد. خداست که باید ستایش شود. دیگر امور مطلوب بالعرض هستند. مطلوبیت آنها تنها از آن روست که وسیله نزدیکی انسان به خدا را فراهم می‌کنند. محمد/س، مستشرق مسلمان اتریشی نژاد مقیم پاکستان می‌گوید: نحوه ادراک و تشخیص عبادت در اسلام، با آنچه در سایر ادیان به چشم می‌خورد تفاوت دارد؛ زیرا عبادت در اسلام، به کارهایی همچون خشوع محض، از قبیل نماز و روزه محصور و محدود نیست، بلکه عبادت دربرگیرنده همه جوانب زندگی عملی انسان نیز هست (غنیمه، ۱۳۸۸، ص ۱۸۲). بدین سان، مسلمانان با اخلاص و تلاش در جلب رضای خدا، به انجام تکالیف و مناسک می‌پرداختند و همه فعالیت‌های روزانه‌شان عبادت محسوب می‌شد.

ه. عدالت اجتماعی و امنیت

برقراری عدالت اجتماعی از اهداف بعثت انبیاء است. جامعه متدین قرآنی جامعه‌ای عدالت‌محور بوده، چندطبقی و طبقاتی نیست. اعجاز دین اسلام این بود که اجتماع انسان‌ها را با اتحاد همگانی براساس ایمان و تقوا با برقراری عدالت، محقق ساخت و ضمن تألیف قلوب، همبستگی و انسجام راستین میان جوامع مسلمان، امنیت واقعی، فرهنگ پویا، آزادی و کرامت‌های عالی را برایشان به ارمغان آورد. قرآن با اعلام «والله لا یحب الظالمین» (آل عمران: ۵۷) مسلمانان را از هرگونه تعدی برحذر داشت و محرومیت از حب و نعم الهی و ویرانی تمدن‌ها (اعراف: ۱۳۷) و عذاب اخروی را از پیامدهای آن ذکر کرد. وقتی افراد خود را مکلف به ادای حقوق الهی و امت بدانند و متعلق به اخلاق گردند، همه عوامل تهدیدکننده در برقراری عدالت و امنیت را از تارو پود جامعه دور می‌سازند و در سایه برادری زندگی

غرض نهایی فراهم شدن زمینه برای تحقق هدف خلقت است و رسیدن به کمال از راه عبودیت و بندگی خداوند میسر می‌گردد و بستر برای وصول به مرتبه قرب الهی فراهم می‌گردد. این اصل در زمینه‌های فردی و اجتماعی تجلی می‌یابد. جامعه اسلامی نیز در نگرش خود به زندگی و تعیین الگوها و سبک آن، از قرآن کریم و سیره نبوی، که منطبق بر آموزه‌های قرآنی است، الهام می‌گیرد.

قرآن در قلب هر انسانی که وارد می‌شد از او انسان دیگری می‌ساخت؛ زیرا او را موجودی دوساحتی، که پس از طی مراحل ابتدایی آفرینش با دمیده شدن روح الهی در آن از جهان ماده فراتر رفته و صبغه الهی و ملکوتی یافته است، می‌داند (مؤمنون: ۱۲-۱۴؛ سجده: ۷-۹). روحانیت انسان وجه امتیازش بر سایر موجودات است. او مسافر الی الله است و لقای خداوند سبحان مقصدش.

در این سفر، کلام الله هادی راه است و مبین باید‌ها و نبایدهای اخلاقی که تخلق به آنها انسان را به کمال و سعادت حقیقی می‌رساند. در جامعه قرآنی، اخلاق جایگاه رفیعی یافته، مردم در پی کسب فضایل اخلاقی و وصول به مرتبت تقوا هستند؛ زیرا «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاهُمْ» (حجرات: ۱۳). این صفت، مفهومی متعالی است که پیامدهای فردی و اجتماعی زیادی به همراه دارد. قرآن کریم ضمن دعوت همگان به «خُلُقٍ عَظِيمٍ»، از شیوه‌های گوناگونی برای تبیین اصول و احکام اخلاقی استفاده کرده است. بیان سرگذشت انبیا و اقوام پیشین، معرفی الگوهای برتر زن و مرد برای مخاطبان، کاربست برهان، کاربست فطرت، توجه دادن به اهمیت تزکیه و تهذیب، طرح بهشت و جهنم اخلاقی (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ص ۱۶۸) و مانند آن نمونه‌هایی از کاربست‌های اخلاقی قرآن است. سخنان جعفرین ابی‌طالب در دربار نجاشی مبنی بر تحولات روحی و رفتاری مسلمانان در مقایسه با دوران جاهلی (سبحانی، بی‌تا، ص ۲۵۵) بر پایه پیامی است که توسط رسول الله ﷺ به آنها رسیده است. تحولاتی که در صفات، رفتار و کنش‌های مسلمانان حاصل می‌شود چنان است که رستم فرخ‌زاد، فرمانده سپاه ایران، با مشاهده رفتارهای ضد اخلاقی لشکریانش با مردم «برس»، گواهی می‌دهد که «من اکنون یقین کردم که عرب بر ما پیروز خواهد شد؛ زیرا اخلاق و روش آنها از ما بسی بهتر است» (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۳۰۶).

از نعم الهی سفارش کرده است. مسلمانان با توجه به این دسته از آیات و آیات دیگری که به ترغیب انسان در کسب روزی پرداخته است، برای تحصیل رزق حلال در زمینه‌های کشاورزی، تجارت، دامداری، صنعت و مانند آن مساعی خود را به کار گرفتند و طی قرون متمادی، ثروت فراوانی که از گوشه و کنار قلمرو اسلامی به دست می‌آمد، ضمن عملیات تجاری و فعالیت‌های اقتصادی، از شرق تا غرب، و جنوب تا شمال، مملکت اسلام را به رفاه رسانید.

آلبرت حورانی می‌نویسد: از قرن سوم و چهارم اسلامی، بناهای بزرگ نماد بیرونی جهان اسلام را نشان می‌دادند که هر بیننده و مسافری که از اقیانوس هند تا دریای مدیترانه در رفت و آمد بود، یکپارچگی و زیبایی هنری در این قلمرو را مشاهده می‌کرد. مساجد، بازارها، محلات، خوابگاه‌های شبانه‌روزی برای زوار و مسافران، بیمارستان، منزل‌گاه‌هایی که در طول جاده‌ها برای کاروان‌ها بنا شده بود، آب‌انبارها و قنات‌ها، همه مصادیقی از سعی و تلاش مسلمانان در ایجاد آبادانی و رفاه در گستره اسلام است (حورانی، ۱۳۸۷، ص ۸۹-۹۱).

تأکید قرآن به محرومیت‌زدایی از اقشار آسیب‌پذیر در رفع شکاف‌های طبقاتی، بسیار حایز اهمیت است. آیات قرآن بر لزوم رفع فقر و توجه بر ضعف تأکید می‌نماید و همه مسلمانان را به این امر مکلف می‌سازد. سازوکار خاص اسلام در این خصوص، پرداخت صدقات، خمس و زکات، انفاق، جزیه و مانند آن است که به حفظ تعادل اقتصادی و رفاه عمومی و جلوگیری از تکاثر اموال در طبقه‌ای خاص از جامعه می‌انجامد. بسیاری از بناهای برجای‌مانده از دوران شکوه و عظمت تمدن اسلامی در سایه سنت «وقف» به وجود آمده است. مساجد، مدارس، کتابخانه‌ها و بیمارستان‌های مصر و شام در عهد نورالدین زنگی و ایوبیان نمونه‌هایی از آنهاست (شلیبی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۵-۱۱۲ و ۱۵۱-۱۶۶).

۲. توسعه دینی / جهانی‌سازی دین

آیات قرآن در گسترش قلمرو اسلامی نقش مستقیم داشته است. حاکمیت بخشی دین الهی در جهان به‌عنوان مهم‌ترین هدف برای مسلمانان تشریح گردیده است: «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ» (بقره: ۱۹۳؛ انفال: ۳۹) و با بیان «إِنَّ

می‌کنند. فراتر از عدالت، که حداقلی در نظام تمدنی قرآنی است، محبت، احسان و رحمت الهی مبنای مناسبات انسانی است. این امت یکپارچه صرف‌نظر از ملیت، نژاد، گویش و اقالیم گوناگون جغرافیایی، حتی بر کفار و دشمنان خود نیز ستم نمی‌کند و با قسط و عدل با آنان رفتار می‌نماید (ممتحنه: ۸)؛ چنان‌که آمده است: پس از ورود مسلمانان به سرزمین‌های دیگر و فتح آنجا و حاکمیت بر آن بلاد، نصارای شرقی تساهل و تسامحی را که در قلمرو اسلام می‌دیدند در حوزه کلیسا نمی‌یافتند و این نکته از اسباب عمده‌ای در ایجاد رفاه و آسایشی بود که تمدن و فرهنگ انسانی بدان نیاز دارد (زرین کوب، ۱۳۷۹، ص ۲۴).

گوستاولوبون قرآن را عامل انگیزش‌آور برای فتوحات پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ می‌داند. او معتقد است: اسلام به وسیله زور و شمشیر منتشر نشد، بلکه به واسطه تشویق و تبلیغ و عدالتی که فاتحان نسبت به مغلوبان خود داشتند، گسترش یافت (لوبون، ۱۳۶۳، ص ۱۴۶ و ۱۴۷). علاوه بر آن، قرآن به منظور دستیابی به عدالت اجتماعی و رفاه عمومی و جلوگیری از انباشت ثروت در طبقه اشراف، به طرح قوانین مالی و حقوقی منحصر به فردی پرداخته است.

قرآن و تمدنی جهانی

از دیدگاه قرآن، بشر جانشین خدا بر زمین است و با هدف رشد و تعالی انسان، آدمی را مسخر و حاکم بر زمین و موجودات آن گردانیده و خود راهنمای اوست (بقره: ۱۶۸؛ نساء: ۲۹؛ لقمان: ۲۰؛ ابراهیم: ۳۱؛ اسراء: ۱۷۲؛ نحل: ۹۶؛ زخرف: ۱۳ و ۱۴؛ حدید: ۲۶). مسلمانان در شکوفایی علمی و فرهنگی، از این اصل قرآنی استفاده کردند و برای گسترش قلمرو اسلام و رونق اقتصادی بندگان خدا، نشر دین و اثبات رفعت و عظمت آیین خود و رفع مشکلات جوامع گوناگون، به تولیدات فکری، علمی، صنعتی و هنری روی آوردند و تمدنی پویا را سامان دادند (گلی‌زواره‌ای، ۱۳۸۸، ص ۲۳).

۱. توسعه اقتصادی

قرآن کریم با تأکید بر این حقیقت که به اراده حق، خوان گسترده نعم الهی در عالم وجود در مسیر انتفاع بشر و برقراری حیات و چرخه فعالیت اوست «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ» (لقمان: ۲۰)، پیروان خود را به لزوم بهره‌برداری

برگرفته از تعالیم قرآن کریم است، از جمله عوامل مهم در پیشرفت اسلام و پیروزی رزمندگان در میادین جنگ می‌شمرد. وی می‌نویسد: عرب‌ها معتقد بودند که انسان در موقع معین خواهد مرد، اگرچه در بستر غنوده باشد و اگر اجلش نرسیده باشد زیر شمشیر و پیکان زنده می‌ماند و این اعتقاد آنان را دلیر می‌ساخت و در میدان جنگ پایدار می‌ساخت (زیدان، ۱۳۹۳، ص ۴۶). این مسئله به خوبی گویای نقش تفکر و فرهنگ قرآنی در پیشرفت مسلمانان است.

۳. توسعه علمی

جرج سارتون در کتاب *مقدمه‌ای بر تاریخ علم* می‌نویسد: چگونه می‌توان به شناخت درستی از دانش مسلمانان دست یافت، اگر تمرکز آن را حول قرآن درک نکنیم؟ (گلشنی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۱). آیات قرآن مؤثرترین عامل خیزش علمی مسلمانان بود تا با هر نژاد و ملیت در ایجاد محیط مناسب علمی و پی‌ریزی کاخ رفیع دانش و تکوین تمدن و فرهنگ درخشان اسلامی بکوشند. ساخت تمدن بدون علم محال است. قرآن نادانی را با نابینایی قرین و آن را به گمراهی و تاریکی محض تشبیه کرده است (بقره: ۱۲۸). تشویق به کسب علم، بیان رفعت علما (مجادله: ۱۳) و امتیاز عالم بر جاهل (زمر: ۳۹) و اشاره به موضوعات گوناگون علمی، شوقی در مسلمانان پدید آورد تا علوم و فنون را در هر جا یافتند جذب نموده و آن را با بینش توحیدی اسلام سازگار و هماهنگ سازند.

واژه علم و مشتقات آن قریب ۸۰۰ بار (عبدالباقی، ۱۳۶۴، ص ۴۶۹-۴۸۱) در قرآن آمده و درباره پدیده‌های طبیعی و حقایق علمی، سیارات، هوا، جغرافیا، زیست‌شناسی، زمین‌شناسی، گیاه‌شناسی، جانورشناسی، پزشکی، بهداشت و علوم تغذیه، روان‌شناسی، تاریخ، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و مانند آن سخن گفته و انسان را به تفکر و تعمق در آنها دعوت کرده است. آفرینش آسمان‌ها و زمین و خورشید و ماه، آمد و شد شب و روز، پدیده‌های ستاره‌شناسی و برخی موارد استفاده آنها، مانند نگه‌داشتن وقت و مسیریابی کشتی‌ها را نشانه‌هایی برای خردمندان بیان می‌کند (از جمله: بقره: ۱۶۴؛ انعام: ۹۷؛ نحل: ۱۲؛ انبیاء: ۳۳؛ الرحمن: ۳۳ و ۳۴؛ یس: ۳۸-۴۰؛ نمل: ۸۸). مطالعه در

الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران: ۱۹) و «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (توبه: ۳۳)، دین برتر، اکمل و قییم را معرفی و مجوز غلبه و تسلط اسلام بر ادیان دیگر را صادر و مسلمانان را متوجه تحرکات دشمنان داخلی و خارجی نموده و راه کارهای درخور ارائه می‌دهد. امر به مهاجرت و جهاد از سازوکارهای خاص قرآن در این زمینه است.

الف. مهاجرت

قرآن کریم می‌فرماید: «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ...» (عنکبوت: ۵۶). آن دسته از مسلمانانی که به واسطه اختناق حاکم، دچار عسر و تعب در انجام اعمال و مناسک دینی می‌شوند به هجرت به سرزمین‌هایی که از نعمت امنیت برخوردارند امر شده‌اند. سفرهای علمی نیز مهاجرت طالبان علم به اقطاب علمی جهان اسلام بود که برای بهره‌مندی از محضر دانشمندان و هنرمندان صورت می‌گرفت و به نشر دین و علم انجامید. دعوت‌های قرآن به سیر در زمین به منظور معرفت خدا و کشف حقیقت و تفکر در عالم هستی و آگاهی از پدیده‌های گوناگون و مشاهده آثار گذشتگان نیز از جمله عوامل انگیزشی در مسلمانان با دستور این دسته از آیات بود.

ب. جهاد

قرآن کریم، هم مسلمانان را به جهاد در راه خدا و مقاتله با دشمنان دین تحریض نمود و هم تمهید و تحصیل اسباب مقابله و ظفر بر آنها لازم شمرد (انفال: ۶۰). اصل حیاتی که همواره باید مطرح نظر باشد لزوم آمادگی رزمی کافی در برابر دشمنان است، به گونه‌ای که بتوانند رعب و وحشت در دل دشمنان به وجود آورند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۰ و ۱۶۱). آیاتی اینچنین مسلمانان را در فراگیری فنون جنگی و دفاعی، تهیه سلاح و نفرات و تقویت روحیه سربازان و جذب سرمایه‌های مالی در تقویت بنیه نظامی به مرتبه‌ای رساند که طی قرون متمادی و لشکریان اسلام مقتدرترین ارتش جهانی بودند که با اعتقاد و ایمان به خداوند یکتا ظفر می‌یافتند. هشت جنگ صلیبی طی دو بیست سال و پیروزی نهایی مسلمانان نمونه‌ای بارز از اقتدار لشکر اسلام است. جرجی زیدان/ایمان به قضا و قدر الهی را، که

همچنان که بزرگداشت علما، حاکمیت روح تسامح و وجود سعه صدر و تحمل آراء دیگران و رفتار منصفانه با فرق دیگر سبب شد که در دارالاسلام، باب مناظرات کلامی باز شود و همکاری در جهت پیشرفت علم و فن صورت گیرد (گلشنی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۱). پس از آشنایی مسلمانان با علوم یونان و انطباق قرآن با علوم تجربی، که از قرن چهارم هجری (در نوشته‌های ابن سینا) رخ نمود، نوع جدیدی از تفسیر قرآن پیدا شد که به نام «تفسیر علمی» خوانده می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱، ص ۱۵).

ملاحظه نظام فلسفی اولین فیلسوفان مسلمان همچون *فارابی* و *ابن سینا*، نمونه‌هایی از تأثیرپذیری نظام فلسفی آنان را از قرآن نشان می‌دهد که محوریت هستی‌شناسی توحیدی و تبیین خاص از معرفت‌شناسی وحیانی از مهم‌ترین آنهاست. فلسفه اسلامی، علی‌رغم منابع غیراسلامی، تنها در پرتو تعالیم عقلانی و فلسفی قرآن بود که ویژگی «اسلامی» به خود گرفت (قربانی، ۱۳۹۳، ص ۳۵-۶۲).

۴. توسعه هنر و خلاقیت

هنر یکی از جلوه‌های بارز تمدن است. زندگی انسان‌ها همواره با هنر عجین بوده است. در اندیشه مسلمان، خداوند جمیل و زیباست و قرآن تجلی‌گاه زیبایی خداوند است، و زیبایی، هنرورزی و زیبایی‌شناختی از توانایی‌های فطری انسان به‌شمار می‌رود. هنرمندان مسلمان تحت تأثیر دین و آموزه‌های قرآنی، به خلق آثار بديع و ماندگار در عرصه‌های گوناگون دست زدند. مساجد یکی از مانا‌ترین بناها و آثار برجای مانده از تمدن اسلامی است. نقش محوری قرائت و خوشنویسی قرآن در جای‌جای تمدن اسلامی حضوری مؤثر و پرنشاط دارد و در معماری بلندآوازه مسلمانان فضاهایی وجود دارد که در آنها کلام وحی طنین‌انداز است و در نتیجه، در قالب و عملکرد بنیادین خویش، با مسائل اعتقادی ارتباط می‌یابد (گلی‌زواره، ۱۳۸۸، ص ۲۳)؛ چنان‌که خطاطی باید دنباله فن قرآن‌نویسی در صدر اسلام باشد (ولایتی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۶).

هنری *لوکاس* در تاریخ تمدنش، هنر اسلامی را متأثر از اندیشه‌های اسلامی می‌داند؛ اندیشه‌هایی که برگرفته از آموزه‌های وحیانی قرآن کریم است. او جلوه آیات قرآنی را در هنر

آفاق و انفس موجب کسب آگاهی و دانش است (فصلت: ۵۳). مطالعه طبیعت بالذات مطمح نظر نیست، بلکه آن به خاطر مشاهده آثار خداوندی در جهان و بهره‌مندی سازنده از امکانات طبیعی است (گلشنی، ۱۳۹۴، ص ۷۱). بدین‌روی، توسعه دانایی و فعالیت‌های علمی، تکلیفی الهی شد برای مردمی تیزبین، جویا و کنجکاو که همواره در اندیشه حل معماهای جهان و دست یافتن بر اسرار طبیعت و کائنات و کشف مسائل ضروری دین، همچون تشخیص اوقات نمازهای پنج‌گانه، جهت‌یابی قبله، و آگاهی از تقویم ماه و سال بودند.

تاریخ هزاره نخست هجری قمری و سده‌های میانی گویاست که در پرتو تمدن اسلامی، مسلمانان قرن‌ها طلایه‌دار دانش در علوم گوناگون در جهان بوده‌اند. با گسترش اسلام، قوم عرب با دیگر اقوام در آمیخته و با شیوه‌های گوناگون تکلم و تفکر آشنا شدند. به لحاظ این تغییرات، حرکتی بسیار جدی آغاز شد و مسلمانان آگاه صفوف خود را فشرده‌تر کردند و به ثبت و ضبط علوم قرآنی و ایجاد ضمانت‌های متعدد به منظور نگهداری و صیانت قرآن کریم از تحریف پرداختند. ضرورت حفظ صیانت قرآن، مقدمات علوم قرآنی را در اختیار صحابه و مسلمانان صدر اول قرار داد (حکیم، ۱۳۷۸، ص ۱۷). علم قرائت، تفسیر، کلام، حدیث، رجال، لغت، نحو، صرف، تاریخ، زبان‌شناسی، لغت‌شناسی، صرف و نحو و لغت عرب برای شرح معانی کلمات نادر قرآنی، جزو نخستین علوم اسلامی است که به خاطر قرآن به وجود آمد. *ابن‌خلدون* در مقدمه آورده است: قرآن آموزی به فرزندان از شعائر دینی است که مردم در همه کشورهای اسلامی با آن همپا و همسویند؛ زیرا با آیه‌های قرآن و متن‌های احادیث، ایمان و باورهای اسلامی به دل‌ها راه می‌یابد. قرآن پایه و ریشه آموزش قرار گرفت که دیگر موهبت‌های دست‌یافتنی بر آن استوار شد (شلبی، ۱۳۸۱، ص ۵۷).

از اواخر قرن دوم تا قرن چهارم هجری، کار ترجمه از یونانی و سریانی به عربی، به شیوه‌ای جدی آغاز شد (حورانی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۹). نهضت ترجمه، جذب نخبگان از اطراف و اکناف جهان، انتقال علوم و تمدن‌سازی «بیت‌الحکمه»، نقد و تصحیح متون ترجمه شده و احساس جهان‌وطنی در علمای مسلمان، از جمله عواملی بود که موجب رشد علوم و فنون در قلمرو اسلام گردید.

اسلامی مشهود می‌داند و می‌نویسد:

عنصرهای سوری، بیزانسی، ایرانی، مصری و رومی به هنر اسلامی راه یافت، اما اندیشه‌های اسلامی راه به کار رفتن این هنرها را تعیین می‌کرد. قرآن، کشیدن تصویر جانداران، چه انسان و چه حیوان را منع کرده است. استادان هنرمند اسلامی از طرح‌های تزئینی هندسی، که منع دینی نداشت، استفاده کردند. طرح‌های بسیار پیچیده و درهم‌تنیده‌ای روی طاق‌ها، درگاه‌ها و دیوار اتاق‌ها کشیده شد. گل و گیاه‌های طبیعی و صوری و نیز آیه‌های قرآن در طرح‌ها به کار رفت. تأثیر زینتی این کار بسیار زیاد بود. صنعتگران اسلامی این‌گونه طرح‌ها را در کنده‌کاری روی چوب، سنگ و عاج با موفقیت به کار می‌بردند (لوکاس، ۱۳۸۲، ص ۴۳۹).

ثانیاً، به بیان تفصیلی احکام شریعت، در ارتباط با حقوق و تکالیف انسان پرداخت. هیچ آدابی از پنج شکل واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح خارج نبود، و اینچنین به اصلاح ساختار آداب و رسوم حاکم بر جامعه دست زد.

ثالثاً، کلام الله هادی راه است و مبین بایدها و نبایدهای اخلاقی است که تخلق به آنها انسان را به کمال و سعادت حقیقی می‌رساند. در نهایت، در جامعۀ قرآنی، اخلاق جایگاه رفیعی یافته و مردم در پی کسب فضائل اخلاقی و وصول به مرتبت تقوا هستند.

رابعاً، دیدگاه خاص اسلام به دنیا و آخرت و تشویق به کار و تلاش، سبک زندگی دینی بر مبنای پرستش خدای یکتا را برای مردم ترسیم نمود.

خامساً، آیات قرآنی برادری، محبت و از بین رفتن هرگونه تبعیض و اختلاف طبقاتی را از ویژگی‌های جامعه تمدنی اسلام برشمرد و برقراری عدالت، به‌ویژه عدالت اجتماعی و امنیت پایدار، را لازمهٔ مدنیت و باور موحدانه خواند.

۶. کلام وحی تمدنی جهانی را با رشد و توسعه در ابعاد ذیل ترسیم نمود:

الف. توسعهٔ اقتصادی: آیات قرآنی با تبیین نقش انسان در طبیعت و لزوم تلاش بر کسب معاش و نظام مالی منحصر به فرد، زمینهٔ فعالیت‌های اقتصادی و رفع فقر را به وجود آورد.

ب. توسعهٔ دینی: تحریض به قتال با دشمنان دین و لزوم تبلیغ و نشر دین اسلام، عامل گسترش مرزهای جغرافیایی و حاکمیت سیاسی اسلام در بخش وسیعی از جهان شد.

ج. توسعهٔ علمی: تشویق قرآن به رشد علمی، موجبات دانش‌اندوزی و نهضت ترجمه، جرح و تعدیل و اصلاح علوم پیشین و دانش‌افزایی، ابداع و اختراع در زمینه‌های گوناگون علمی، صنعتی، فنی، هنری و مبارزه با فقر فرهنگی و علمی را فراهم آورد.

د. بسط هنر: آیات هدایت‌بخش وحی توانست امتی یکپارچه را صرف نظر از نژاد، ملیت، گویش و اقلیم جغرافیایی، برای نوآوری و ابداعات در هنر و صنعت مصمم گرداند و هنرمندان مسلمان تحت تأثیر دین و آموزه‌های قرآنی، به خلق آثار بی‌بدیع و ماندگار در عرصه‌های گوناگون دست زدند. و این چنین تمدنی اصیل و بارز بنیان نهاده شد.

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین نتایج این نوشتار را می‌توان در موضوعات ذیل دانست:

۱. تمدن بر فرهنگ و آن نیز بر تفکر استوار است. در تمدن، مدنیت، پیشرفت، توسعه و رشد، خلاقیت و نهادینه شدن وجود دارد، و این همه بدون فرهنگ و استواری بر پایه‌های فکری قوی و قدرتمند متصور نیست.

۲. پیش از ظهور اسلام، اعراب ساکن در مکه و حجاز از لوازم تمدن بهره‌ای نداشتند. جزیره‌العرب جامعه‌ای راکد و جامد و به دور از هر نوع تکامل فکری و پیشرفت بشری بود.

۳. آموزه‌های قرآن بر دو عنصر ذاتی انسان، «عقل» و «فطرت»، منطبق است. کلام وحی به تغییر و اصلاح نظام فکری عرب جاهلی با تأکید بر لزوم تعقل، تدبر، تفکر، و بیداری فطرت، پرداخت و پیروان خود را از جمود فکری و بی‌خبری برحذر داشته و در پذیرش مبانی اعتقادی، آنان را به تحقیق و بررسی آگاهانه و شخصی واداشته است.

۴. شاخصهٔ تمدن‌سازی قرآن هدایت‌گری و فرهنگ‌سازی است.
۵. سازوکار قرآن در اثربخشی بر بنیان‌های فکری انسان‌ها بدین‌گونه طرح می‌گردد:

اولاً، اصلاح مبانی فکری و اعتقادی مردم با رشد عقلانیت و تقویت ایمان به مبدأ و معاد و داشتن فلسفهٔ زندگی و درکی استوار و درست از حقایق هستی صورت گرفت.

.....منابع

- نهیج البلاغه، ۱۳۸۰، ترجمه محمد دشتی، چ دوم، اصفهان، فرهنگ مردم.
- ابراهیم حسن، حسن، ۱۳۹۲، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چ پنجم، تهران، بدرقه جاویدان.
- ابن ابی الحدید معتزلی، ۱۳۷۸ق، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، قاهره، دارالاحیاء الکتب العربیه.
- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم و سیدمحمدباقر حجتی، ۱۳۶۸، میثاق در قرآن، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفریان، رسول، ۱۳۶۶، تاریخ سیاسی اسلام تا سال چهارم هجری، قم، مؤسسه در راه حق.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۷، مبادی اخلاق در قرآن، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۶، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، تحقیق و تنظیم احمد واعظی، چ هفتم، قم، اسراء.
- حکیم، سیدمحمدباقر، ۱۳۷۸، علوم قرآنی، ترجمه محمدعلی لسانی فشارکی، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- حورانی، آلبرت، ۱۳۸۷، تاریخ مردمان عرب، ترجمه فرید جواهر کلام، چ دوم، تهران، امیرکبیر.
- خوری حتی، فیلیپ، ۱۳۸۰، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی.
- داوری اردکانی، رضا، ۱۳۹۱، وضع کنونی تفکر در ایران، تهران، سروش.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، لغتنامه، تهران، دانشگاه تهران.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۸۱، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، چ سوم، رشت، کتاب مبین.
- زرین کوب، غلامحسین، ۱۳۷۹، کارنامه اسلام، تهران، امیرکبیر.
- زکریایی، محمدعلی، ۱۳۸۹، فرهنگ مطهر، مفاهیم، اصطلاحات و تألیف علوم انسانی - دینی از دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری، تهران، جامعه و فرهنگ.
- زیدان، جرجی، ۱۳۹۳، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه و نگارش علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر.
- سبحانی، جعفر، بی تا، فروغ ابدیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- شرتونی، سعید، ۱۴۰۳ق، اقرب الموارد فی فصیح العربیه والشوارذ، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- شلبی، احمد، ۱۳۸۱، تاریخ آموزش در اسلام از آغاز تا فروپاشی ایوبیان در مصر، ترجمه محمدحسین ساکت، چ چهارم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- صرامی، سیف‌الله، ۱۳۷۸، جایگاه قرآن در استنباط احکام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، بی تا، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین.
- عبدالباقی، محمدفؤاد، ۱۳۶۴، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، تهران، اسماعیلیان.
- غیمه، عبدالرحیم، ۱۳۸۸، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسای، چ چهارم، تهران، دانشگاه تهران.
- قربانی، قدرت‌الله، ۱۳۹۳، «نقش قرآن در شکوفایی حیات عقلانی و فلسفی تمدن اسلامی»، پژوهش‌نامه معارف قرآنی، ش ۱۸، ص ۳۵-۶۲.
- قرشی، سیدعلی اکبر، بی تا، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- گلشنی، مهدی، ۱۳۹۴، از علم سکولار تا علم دینی، چ ششم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- گلی زواره غلامرضا، ۱۳۸۸، نقش مسلمانان در شکوفایی اروپا، قم، صحیفه خرد.
- لوبون، گوستاو، ۱۳۶۳، تمدن اسلام و عرب، ترجمه محمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران، علی اکبر علمی.
- لوکاس، هنری، ۱۳۹۳، تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آرزنگ، چ هشتم، تهران، سخن.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۱، فطرت، تهران، انجمن اسلامی دانشجویان مدرسه عالی.
- _____، ۱۳۷۴، خدمان متقابل اسلام و ایران، چ بیست و یکم، تهران، صدرا.
- معین، محمد، ۱۳۸۸، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر.
- مفتح، محمد، ۱۳۶۰، آیات اصول اعتقادی قرآن، تهران، نور.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶، برگزیده تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- نصیری، علی، ۱۳۹۰، راز جاودانگی قرآن، قم، اسراء.
- ولایتی، علی اکبر، ۱۳۸۴، فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، نشر معارف..